

# حسن همکاری و توانایی حرفه‌ای در شرایط بحرانی: بررسی منشور مورخ صفر ۱۳۳۲ آستانه رضویه\*

امید رضائی<sup>۱</sup>

## چکیده

چند سال پس از مشروطه و تصویب قوانین جدید از جمله قانون اوقاف، آستانه رضویه و موقوفات آن زیر نظر وزارت معارف و اوقاف قرار گرفت. هنوز ناصرالملک نایب‌السلطنه احمد شاه بود که قوای روس در ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۳۰ هـ. ق. به حرم رضوی حمله کردند. از این رو، معمولاً، گفته می‌شود که اوضاع کشور و مراکز اداری و دولتی به دلیل تغییر شرایط آشفته بوده است. این پژوهش، قصد دارد با بررسی منشوری (فرمانی) که در ماه صفر ۱۳۳۲ قمری از دفترخانه آستانه رضویه صادر شده، نشان دهد که این دفترخانه حتی پس از بمباران به خوبی اداره می‌شده است. بدین معنی که با آن که آستانه از یک طرف زیر نظر شاه بود و از سوی دیگر با وضع قوانین جدید زیر نظر وزارت معارف و اوقاف قرار گرفته بود باز انجام امور در دستان سادات رضوی، حسینی، طباطبائی، و موسوی بود. این‌ها در بدترین شرایط هم اگر حکومت مرکزی از آن‌ها کار خاصی درخواست می‌کرد سعی می‌کرده‌اند حسن همکاری و میزان توانایی حرفه‌ای خود را به نمایش بگذارند. واژگان کلیدی: منشور، اوقاف، مستمری، سادات، مشهد، قاجاریه، قانون‌گرایی، ناصرالملک نایب‌السلطنه

## Collaboration and Professionalism during a Time of Crisis: A Study of a Decree dated Şafar 1332/ January 1914 from Āstāne-ye Quds-e Rażavī

Omid Reza'i<sup>2</sup>

### Abstract

Some years after the Constitutional Revolution and the passing of new laws (such as the law of Religious Endowments), the endowments of the Shrine of Imām'Alī al-Reza known as Āstāne-ye Quds-e Rażavī were given to the Ministry of Religious Affairs and Endowments (Vezārat-e Ma'āref va Owqāf). Nāşerol-Molk was still the vice-regent (Nā'ebol-Saltāne) of Aḥmad Shāh when the Russians on 11 Rabī' II 1330 /30 March 1912 attacked the Shrine. It is often said that during this period the administration of the country was in a state of turmoil, due to political events. The present article studies a decree issued on Şafar 1332/January 1914 by the Archives Section of the Āstāne-ye Quds-e Rażavī. This decree demonstrates that even after the Russian bombardment the Archives Section was working and well-managed. Despite the fact that the Shrine was on the one hand under the supervision of the Shah and on the other, due to the new law, under the supervision of the Ministry of Religious Affairs and Endowments, the regular running of this section remained in the hands of Rażavī, Ḥoseynī, Ṭabātabā'ī and Mūsavī Sayyeds. Even in the worst of conditions, in response to demands of the central Tehran administration, these Sayyeds were able to collaborate to prepare professional documents.

Keywords: Decrees, Religious Endowments, Pensions, Sayyeds, Mashhad, Qajar, Legal Administration, Nāşerol-Molk Nā'ebol-Saltāne

۱. کارشناس پژوهشی، سازمان اوقاف و امور خیریه، تهران. \* تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۲/۴ \* تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۵/۸

2. Senior Research Fellow, Sazmān-e OwqāfvaOmūr-e Khayriyeh, Tehran. Email: rezaiomid@gmail.com

## مقدمه

حداصل دوره ناصرالدین شاه تا پایان دوره قاجار را دوره خودسری‌ها و بی‌نظمی‌های گوناگون در «آستانه رضویه» معرفی کرده‌اند که روز به روز هم بدتر شده است. به طوری که، ناصرالدین شاه (جل ۱۸ شوال ۱۲۶۴- وفات ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۱۳ هـ.ق) در فرمان ۱۲۷۱ هـ.ق با استناد به عرایض متولی‌باشی وقت و وزیر موقوفات از اشخاص، امان و خدمه خواسته است اشخاص دست از مداخله و تصرف در موقوفات بردارند و بدون اذن و اجازه متولی کاری نکنند.<sup>۳</sup> عبدالله مستوفی هم ذیل عنوان مستقل «وضع آستانه» روی این موضوع، خاصه وضعیت مالی، تأکید دارد<sup>۴</sup>، همچنانکه از نظر او چند وزارتخانه جدید از جمله «وزارت معارف و اوقاف» «نمودشان فقط در اداره مرکزی<sup>۵</sup>» بود و «کاری نداشته» اند.<sup>۶</sup>

«قانون وظایف اوقاف»، مشتمل بر شش ماده در شوال ۱۳۲۸ تصویب شد. متعاقباً وزارت معارف و اوقاف لازم دید برای ساماندهی امور آستانه رضویه «قانون موضوعه آستانه متبرکه رضویه» مشتمل بر نوزده ماده را تهیه و در بیست و هفتم ذی‌قعدة ۱۳۲۹ ابلاغ نماید.<sup>۷</sup> هنوز چند وقتی از ابلاغ این «قانون» سپری نشده بود که که قوای روس در ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۳۰ حرم رضوی، مسجد گوهرشاد را بمباران کردند و گنبد را به توپ بستند که عده زیادی از زوار در بمباران کشته شدند و حرم به مدت دو روز توسط سپاهیان روس تصرف و تخریب شد.<sup>۸</sup> خسارت وارده سی هزار تومان برآورد شده است.<sup>۹</sup>

چند ماه قبل از تاجگذاری رسمی احمد شاه (تیر ماه ۱۲۹۳ / شعبان ۱۳۳۲)، در اواخر دوره‌ای

۳. اسماعیل همدانی، آثار الرضویه (مشهد: چاپ سنگی، ۱۳۱۷ هـ.ق)، ص ۳۳۲-۳۳۰.

۴. عبدالله مستوفی، شرح حال زندگانی من، ج ۱ (تهران: نشر کتاب هرمس، ۱۳۸۶)، ص ۸۲۶-۸۳۲؛ همچنین نک: ابوالفضل حسن‌آبادی، سادات رضوی در مشهد از آغاز تا پایان قاجاریه (مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷)، ص ۱۲۷-۱۱۰؛ علی کریمیان، «تشکیلات آستان قدس رضوی»<sup>(ع)</sup> پس از انقلاب مشروطیت ۱۳۲۹ ق.»، «دفتر اسناد، ج ۱، به کوشش اداره اسناد. (مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱)، ص ۳۸-۲۷.

۵. مستوفی، ج ۲، ص ۱۳۰۷.

۶. همان، ص ۱۳۰۹.

۷. کریمیان، «تشکیلات آستان قدس رضوی»<sup>(ع)</sup> پس از انقلاب مشروطیت ۱۳۲۹ ق.»، ص ۵۰-۲۹.

۸. محسن مدیرشانی و ملیحه خوش‌بین، «نقش روسیه در سرکوب انقلاب مشروطه در مشهد»، جستارهای تاریخی، سال

سوم، شماره دوم (پاییز و زمستان ۱۳۹۱)، ص ۱۳۷-۱۱۷.

۹. دائرة المعارف آستان قدس رضوی (مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، جلد اول، ۱۳۹۳)، ص ۳۰۰-۲۹۹.

که ابوالقاسم خان قره‌گوزلو همدانی ناصرالملک (۱۲۸۲-۱۳۴۶هـ.ق) به عنوان «نایب‌السلطنه»<sup>۱۰</sup> عهده‌دار امور بود، آستانه رضویه، منشوری (فرمانی) در صفر ۱۳۳۲ صادر کرده است. حال باید دید که در چنین وضعیتی که یک سر آن روی کار آمدن شاه جوان، وضع قوانین جدید و سر دیگر آن فاجعه انسانی مشهد و حرم رضوی است صدور این منشور به چه شکل و با چه کیفیتی انجام شده است؟ به عبارتی، آیا اوضاع دفترخانه آستانه در زمان صدور منشور نیز همانند اوضاع کشور در اواخر دوره قاجار، آن طور که عبدالله مستوفی و معاصران تأکید مکرر دارند، به هم ریخته و از هم گسیخته بوده است؟ این بررسی در صدد نقد این دیدگاه جزمی‌نگرست.

### الف. چرا این فرمان صادر شده است؟

موضوع مورد بررسی ما با عریضه‌ای که یک خانم به نام «بلقیس عیال مرحوم حاجی بشیرخان» به نایب‌السلطنه ارائه نموده شروع می‌شود. وی اعلام می‌دارد که حقوق شوهرش که خدمه و موجب‌بگیر آستانه بوده قطع شده است. البته، چون این عریضه وجود ندارد دقیقاً نمی‌توان گفت بلقیس خانم در چه زمانی به انجام این کار دست زده است. اما بنا به قرائنی که در ادامه معرفی خواهند شد حداکثر در بهار یا تابستان و حداقل در ابتدای پاییز ۱۳۰۱ شمسی باید رفت و آمدهای او شروع شده باشد.

بهرحال، او به مشهد سفر می‌کند. اما، با وجود آن که رونوشت فرمان را به همراه داشته، آستانه رونوشت را نمی‌پذیرد و اصل سند را می‌خواهد. به عبارتی، با توجه به جنبه مالی، رونوشت برای آستانه قابل قبول نبوده است. لذا بلقیس خانم این بار به اداره کل اوقاف مراجعه می‌کند، چون که قبلاً آن سند را آن اداره کل از او گرفته بوده است، ولی، اداره کل حاضر نمی‌شود که اصل فرمان را مسترد نماید. از این رو، عریضه‌ای به «وزارت معارف و اوقاف» می‌نویسد و موضوع را مطرح می‌کند. متن این عریضه چنین است:

۱/ «مقام منبع حضرت اشرف وزارت جلیله معارف [و] اوقاف دامت شوکته العالی

۲/ بشرف عرض میرساند در زمانیکه قبل از تاجگذاری اعلیحضرت قدر قدرت

۳/ همایونی بود و بامر آستانه حضرت ثامن‌الائمه علیه آلاف الثناء و التحیه

۴/ با آن اداره جلیله بود فرمان حقوق مرحوم حاجی بشیر خان، خواجه

۱۰. او نوه محمود خان ناصرالملک است که به همراه پدر بزرگش در سفر دوم ناصرالدین شاه به سال ۱۲۹۵ هـ.ق از ملتزمین رکاب شد و از همان نوجوانی تحصیلات خود را در لندن شروع کرد و در نهایت از دانشکده بالول آکسفورد فارغ‌التحصیل شد. درباره شرح زندگی او، نک: مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، ج ۱، چ ۵ (تهران: زوار، ۱۳۷۸)، ص ۶۶-۷۰؛ مستوفی، ج ۲، ص ۱۳۰۸-۱۳۰۴.

- ۵/ مرحوم مدیرالدوله، نقد و جنس به ثبت آستانه مبارکه در آن  
 ۶/ اداره جلیله ارائه شد. سواد آن فرمان را بمن دادند که فعلاً  
 ۷/ حاضر است اصل فرمان ضبط ضباط است این ایام  
 ۸/ از طرف اولیای آستانه اصل فرمان را خواسته‌اند  
 ۹/ استدعا از مقام انور آنکه امر و مقرر فرمائید که فرمان را  
 ۱۰/ بدهند که بنماینده آستانه ارائه نمایم بدیهی است  
 ۱۱/ که برای خدا و رعایت بر ضعفا مضایقه نخواهند فرمود  
 ۱۲/ کمینه بالقیس عیال مرحوم حاجی بشیر خان»<sup>۱۱</sup>

این عریضه بین سه نفر دست به دست گردش کار کرده است. اولین یادداشتی که در هامش راست متن نوشته شده مربوط به وزیر یا سرپرست همان وزارتخانه است. او که ظاهراً فرد تازه‌کاری بوده، به رئیس دفتر خود چنین دستور داده است:

یادداشت الف) «۱/ جناب آقای مدیر کل بهرجا مربوط است  
 ۲/ ارجاع نمایند.»

این مقام نیز با خطی کج و معوج، در ذیل دستور آن به اداره کل اوقاف چنین ابلاغ می‌کند:

یادداشت ب) «۱/ اداره کل اوقاف،  
 ۲/ اگر مخالف ترتیبات اداری  
 ۳/ نیست اصل فرمان را رد  
 ۴/ کرده سواد مصدق آنرا  
 ۵/ ضبط نمایید. [امضاء]  
 ۶/ ۱۰ قوس ۱۳۰۱»

یکی از مسؤولان ذی‌ربط در آن اداره کل به نام میرزا آقا فخرائی با دریافت این دستور به وزیر وزارتخانه جهت پاره‌ای توضیحات مراجعه می‌نماید. او شرح ماوقع را ذیل جنب یادداشت «ب» به خط خوش به وزیر نوشته و اصل و سواد (رونوشت) را به دفتر وزیر تحویل می‌دهد:

یادداشت ج) «۱/ با شرحی که حضوراً عرض شد در صورتی که امر بدادن اصل فرمان  
 ۲/ بفرمایید باید در حاشیه فرمان، سی تومان که ازین مبلغ  
 ۳/ برای مدرسه سادات اختصاص داده شده قید شود. [امضاء:] «میرزا آقا فخرائی»

بقیه ماجرا روی سواد اداری فرمان ثبت شده است. فعلاً در اینجا همین قدر گفتنی است که خواسته اداره کل محقق می‌شود و اداره کل اصل فرمان را به صاحبش مسترد می‌نماید

یادداشت د) «۱/ دفتر

۲/ این سواد اگر ضبط است به این شخص بدهید. «

منظور از فرمان مورد نظر، فرمان (منشور)ی است که در ربیع‌الاول ۱۳۱۵ صادر گردیده و طی آن بشیر خان به منصب خواجه‌باشی‌گری<sup>۱۲</sup> ارتقاء منصب یافته و برای او سالی چهل تومان نقد و ده خروار غله تعیین گردیده که در حاشیه چپ این فرمان مورد تأکید قرار گرفته است:

«۱/ این مبلغ و مقدار که در حق خواجه‌باشی برقرار شد از «اضافه اجارات»،

۲/ مبلغ چهل تومان نقد و مقدار ده خروار غله است. «<sup>۱۳</sup>

ادعای بلقیس خانم در اداره کل اوقاف مورد بررسی قرار می‌گیرد. روایت نسبتاً کاملی از ماجرا توسط یکی از کارمندان اداره کل اوقاف به نام میرزا آقا فخرائی در حاشیه رونوشت فرمان حقوق مورخ ۱۳۱۵ هـ.ق نوشته شده است. این یادداشت مفصل‌ترین یادداشت جدیدی است که نگارش آن تعددی صورت گرفته است، چراکه بنا به مفاد همین یادداشت عین همین مطالب هم روی اصل فرمان مذکور قید شده است:

۱/ چون این حقوق را بشیر خان نام دیگر باشتباه برده بود

۲/ و بعد ورثه بشیر خان مرحوم به اداره معارضه نمودند در وزارت

۳/ اوقاف مقرر شد حقوق مزبور که نقداً جنساً یک صد و بیست و پنج تومان است

۴/ بقرار ذیل تقسیم شود:

در حق بشیر خان ثانی	برای مدرسه سادات	۵/ برای ورثه بشیر خان
۲۵ تومان	۳۰ تومان	۶/ ۷۰ تومان <sup>۱۴</sup>
		۷/ و پس از چندی از قرار تفویض‌نامه که ورثه مرحوم
		۸/ بشیر خان ارائه دادند که سواد آن
		۹/ در دفتر اداره کل اوقاف ضبط است
		۱۰/ بشیر خان ثانی بیست و پنج تومان را
		۱۱/ بورثه واگذار نموده. لذا درین
		۱۲/ تاریخ بنا بتقاضای ورثه اصل فرمان
		۱۳/ مسترد می‌شود
		۱۴/ بورثه
		۱۵/ و عین این شرح در اصل فرمان هم ذکر شده. [امضاء: فخرائی.] «

۱۲. (اسم) [فارسی. ترکی] رئیس خواجهگان و بزرگ‌تر خواجه‌سرایان. نک: محمد معین، فرهنگ فارسی (تهران: انتشارات

امیرکبیر، چاپ هشتم، جلد اول، ۱۳۷۱)، ص ۱۴۴۷

۱۳. سازمان اوقاف و امور خیریه، آرشیو، پرونده ۲۵۹ مشهد

۱۴. کلیه مبالغ زیر دفعه‌ها به رقم سیاق نوشته شده است.

## ب. صدور این فرمان با قانون موضوعه آستانه همخوانی دارد؟

بلافاصله، در همان روز (دهم قوس ۱۳۰۱ / سوم محرم ۱۳۳۲)، رونوشت فرمان ۱۳۱۵، تهیه شده و روی آن چند یادداشت از جمله متن پانزده سطر فخرائی اضافه می‌شود. در ادامه فخرائی، سجلی هم مبنی بر مطابقت آن با اصل و مسترد داشتن اصل به یکی از ورثه به قرار زیر می‌نگارد:

۱/ سواد مطابق اصل است و اصل

۲/ به آقا سید رضا که یکی از ورثه است

۳/ مسترد شده. [امضاء:] «میرزا آقا فخرائی»

۴/ [مهر:] «وزارت معارف ۱۳۲۸»

لذا مدیرکل وقت اوقاف، احمد الموسوی، مطابق ماده پنجم قانون موضوعه آستانه، در تاریخ سوم محرم ۱۳۳۲ / دهم قوس ۱۳۰۱، طی نامه شماره ۵۸۶۶ از متولی‌باشی آستانه می‌خواهد که حسب دستور نائب‌السلطنه و تصویب وزارت علوم و اوقاف به زودی فرمان مبلغ شصت تومان مواجب را صادر و برای وزارتخانه ارسال شود:

۱/ هو

۲/ جناب مستطاب آقای متولی‌باشی زید اقباله

۳/ حسب الامر والا حضرت اقدس اعظم آقای نائب‌السلطنه زیدت شوکت و تصویب وزارت علوم و اوقاف مبلغ شصت تومان از مواجب

۴/ بشیر خان که فرد ... موقوفات ... که متوفی شده در حق حاج بشیر خان دیگر برقرار شده است غدغن فرمائید<sup>۱۵</sup> بزودی فرمان آن را در آستان قدس نشان

۵/ صادر و برای وزارت علوم و اوقاف ارسال دارید که بمشاریه داده شود. [امضاء:] «احمد الموسوی»

از آن‌جا که متولی‌باشی موظف بوده فرمان صادره را به وزارت معارف و اوقاف ارسال نماید. لذا، نسبت به صدور این سند باید کاری سفارشی از عمال ذی‌ربط در صدور این فرمان طلب کرده باشد که حاکی از بلوغ مدیریتی او و نمایشگر سطح تجربه و تخصص کارکنانش باشد، نه مدیریتی لجام‌گسیخته و مستخدمینی متوسط، خودسر و ناکارآمد، آن‌چنانکه معمولاً، در وصف اوضاع اواخر دوره قاجار مکرر بر آن تأکید می‌شود.

در کمتر از سه ماه، آستانه منشور مورد نظر را با این ادبیات صادر می‌نماید:

[مهر]

۱/ [طغرا:] بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الحمد لله الذی خص کل نبی بولی و احیاء دین محمد بعلی

۱۵. غدغن (نیز قدغن) به معنی شتاب و تأکید باشد. نک: محمدحسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان، برهان قاطع، ج ۳،

به اهتمام محمدمعین (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲)، مدخل «غدغن».

سلام الله علیهما و آلهما ما طیب النشر الی یوم الحشر  
۱/ و بعد چون بشیرخان که از جمله وظیفه‌خواران<sup>۱۶</sup> آستان ملایک پاسبان محسوب بود و سالی شصت تومان بصیغه موجب از موقوفه عراق  
۳/ دریافت می‌نمود در این سال سعادت‌مآل داعی حق را لیبیک گفته برحمت ایزدی پیوسته بود سَمی<sup>۱۷</sup>  
آن مرحوم، بشیر خان، بموجب توصیه والا حضرت  
۴/ نایب‌السلطنه العظمی و تصویب وزارت علوم و اوقاف استدعای عطای موجب مزبور آن مرحوم را نمود از آنجا که هر یک از بندگان را  
۵/ از فیوضات این درگاه بهره و نصیبی مقرر است استدعای او بجز قبول مقرون و مقرر آنکه چاکر آستان سپهر بنیان میرزا مرتضی‌قلی خان طباطبائی که بنیابت مخصوصه  
۶/ ذات ملکوتی صفات اعلی حضرت قدر قدرت کیوان سطوت پادشاه دل‌آگاه السلطان احمد شاه قاجار خلد الله ملکه اید الله دولته  
۷/ تولیت آستانه مقدسه مشرفند عمال خجسته اعمال را قدغن نمایند سالی مبلغ شصت تومان<sup>۱۸</sup> وجه نقد بصیغه موجب از محل مرحوم بشیر خان از موقوفه  
۸/ عراق در حق حاجی بشیر خان عاید ساخته از قرار منشور قضا دستور معمول دارند و کتاب سعادت اکتساب شرح فرمان مبارک را ثبت و ضبط نموده در عهده شناسند فی شهر صفر المظفر سنه ۱۳۳۲.  
[حاشیه راست متن:] معادل مبلغ شصت تومان<sup>۱۹</sup> نقد بصیغه موجب از محل موقوفه عراق مطابق ثبت دفتری درباره مرحوم حاج بشیر خان برقرار بوده است. «<sup>۲۰</sup>

آنچه که در اینجا بسیار حائز اهمیت است پرداخت موجب از «محل موقوفه عراق<sup>۲۱</sup>» آن هم مطابق «ثبت دفتری» است. حال آنکه چنانکه گفته شد در فرمان ۱۳۱۵ هـ ق آمده است که «این مبلغ و مقدار که در حق خواجه‌باشی برقرار شد از اضافه اجارات ... است». به عبارتی، بر اساس فرمان ۱۳۳۲ مشخص می‌شود که از اول محل پرداخت مستمری از اجاره‌بهای «موقوفه عراق» بوده اما، در سند تعمداً، بازگو نشده است. از نظر هریرت بوسه «وظیفه» در اصل پرداخت‌هایی از محصولات «وقف» یا «موقوفات» به روحانیون، بطور موروثی، بوده است که هر ساله بصورت مقدار

۱۶. اصل: وظیفه‌خاران

۱۷. همنام، هم اسم. نک: معین، فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۱۹۲۳.

۱۸. در بالای عبارت کل مبلغ به رقم سیاق هم نوشته شده است.

۱۹. در بالای عبارت کل مبلغ و ذیل آن تصنیف به رقم سیاق هم نوشته شده است.

۲۰. آرشیو سازمان اوقاف و امور خیریه، پرونده ۲۵۹ مشهد

۲۱. دقیقاً معلوم نیست که منظور از موقوفه عراق کدامیک از موقوفات عراق است. چراکه، در آثار الرضویه فرمانی وجود دارد

تحت عنوان «فرمان املاک موقوفات عراق» که شامل موقوفاتی در طهران، اصفهان، استرآباد و بسطام، سمنان و دامغان، مازندران،

قزوین و کاشان است. نک: اسماعیل همدانی، آثار الرضویه، ص ۳۳۸-۳۳۳.

معینی اعطاء می شده است. این در حالی است که بنابر قانون شرعیه تنها واقف این حق را داشت که مصرف موقوفه خود را تعیین نماید. از عصر صفوی، شاه متولی آستانه رضویه شد. اما، تا سال ۱۰۸۴ هـ ق عنوان «نائب التولیه» استعمال نمی شده است.<sup>۲۲</sup> بنا به تحقیقات سوزنجی، اولین نائب التولیه آستانه، میرزا عبدالله الحسینی فرزند متولی وقت آستانه، میرزا داوود الحسینی، داماد شاه سلیمان، بوده است. میرزا داوود خود در سال ۱۰۹۲ هـ ق به عنوان متولی آن آستانه منصوب شد.<sup>۲۳</sup> بنابراین، بر اساس این منشور آشکار می گردد که رسم پرداخت وظیفه از محل موقوفات آستانه رضویه که از دوره صفوی باب شد، تا واپسین روزهای دوره قاجار با عنوان «وظیفه خور و مواجب‌گیر» در آستانه رضویه پا برجا بوده است، بعلاوه، با آن که عیال بشیرخان درخواست رسیدگی داده است و شخص دیگری به نام آقا سید رضا به عنوان یکی از ورثه پیگیر موضوع بوده اما منشور جدید به نام بشیرخان که با پدر هم نام بوده صادر گردیده است. احتمالاً، بلقیس همسر اصلی بشیرخان نبوده بلکه، متعاً<sup>۲۴</sup> او بوده است و سید رضا هم بچه بلقیس خانم بوده است. چراکه با توجه به متن منشور (فرمان)ی که حدوداً، یک سال قبل از منشور مورد بحث در این نوشتار، در رمضان ۱۳۳۱ صادر شده است با وفات میرزا محمدعلی رضوی قائم مقام التولیه وزیر کل آستان، مواجب نقدی سی صد و شصت تومان و جنسی چهل و هشت خرواری آن مرحوم به اسم سه دختر و یک زوجه اش صادر شده است،<sup>۲۵</sup> البته این منشور متعلق به یک مجموعه خصوصی است که حسن آبادی فقط متن (رویه) آن را منتشر کرده و از انتشار یادداشت‌ها (ظهر) سند صرفه نظر نموده است. لذا، با آن که در متن آن عبارت «توصیه والا حضرت نائب السلطنه العظمی و تصویب وزارت علوم و اوقاف» دیده می شود باز هم با قطعیت نمی توان گفت در صدور آن روند مورد بحث این نوشتار طی شده است یا نه.

به هر روی، حدوداً، دو هفته پس از صدور فرمان مورخ صفر ۱۳۳۲، متولی باشی، میرزا مرتضی قلی خان طباطبائی نائینی، در هجدهم ربیع المولود ۱۳۳۲ طی مکتوبی به شماره ۷۰۵ «فرمان مبارک

۲۲. برای توضیحات کامل نک. هریبرت بوسه، پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی، ترجمه غلامرضا ورهرام (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷)، ص ۲۰۱-۱۸۳.

۲۳. نک: علی سوزنجی، «معرفی نائب التولیه‌های آستان قدس از دوره صفویه تا قاجاریه»، به کوشش زهرا طلائی، دفتر اسناد، ج ۲ و ۳ (مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵)، ص ۲۱-۲۰.

۲۴. در این باره که در نکاح متعه (منقطع) متعه حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط کنند و ارث نمی برد. نک: سید محمد فاطمی قمی، فقه فارسی، به کوشش ناصر دولت آبادی (تهران: مؤسسه انتشارات آوای نور، ۱۳۷۷)، ص ۶۱.

۲۵. حسن آبادی، سادات رضوی در مشهد از آغاز تا پایان قاجاریه، ص ۱۰۵-۱۰۳.



آستانه مقدسه» به وزارتخانه ارسال می‌نماید:

- ۱/ مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقاف دامت شوکته
- ۲/ در خصوص صدور فرمان مبارک از دربار معدلتمدار در برقراری موجب و مرسوم مرحوم
- ۳/ حاجی بشیرخان درباره حاج بشیرخان دیگر که مرقوم شده بود از طرف والا حضرت اقدس
- ۴/ نیابت سلطنت عظمی دامت عظمته ابلاغ شده است که شرفصدور یابد
- ۵/ اینک فرمان مبارک تمام شده لفاً تقدیم داشت.

[امضاء: الاحقر مرتضی قلی طباطبائی]

[مهر ظهر امضاء:] «مرتضی قلی الطباطبائی ۱۳۳۰»

گفتنی است بر اساس تحقیقات نعمتی، مرتضی قلی خان طباطبائی یکی از سی و سه نفر متولیان خوش‌نام آستانه رضویه در دوره قاجار بود که چهاربار در حواصل سال‌های ۱۳۲۹-۱۳۳۴ هـ.ق، ۱۳۳۶-۱۳۳۸ هـ.ق، ۱۳۴۰-۱۳۴۱ هـ.ق و ۱۳۴۳ هـ.ق متولی‌باشی آن آستانه شد.<sup>۲۶</sup> از این رو، این منشور مربوط به اولین دوره تصدی اوست. اما چطور او در سال ۱۳۲۹ هـ.ق به این مقام نائل شده است، ولی مهر او در سال ۱۳۳۰ هـ.ق، حداقل با تأخیری یکی دو ماهه، ساخته شده است. در هر حال، او حداقل با دو سال سابقه مدیریتی سطح عالی، در زمان صدور این فرمان حداقل از بلوغ کافی برخوردار بوده است که ادامه بحث دلایل این ادعا را تبیین می‌نماید. با توجه به این که، اصل فرمان در پرونده موجود است، این بار هم اداره کل اوقاف، باید رونوشت آن را به ورثه تحویل داده باشد.

### ج. نگارش و صدور این سند از کجا شروع شده و به کجا ختم گردیده است؟

درباره فرامین، هریرت بوسه به طور خاص درباره دوران آق‌قوینلو و قراقوینلو و صفوی،<sup>۲۷</sup> اما، قائم‌مقامی<sup>۲۸</sup> و بهتر از او برت فراگنر<sup>۲۹</sup> بحث کرده‌اند. بوسه فرامین را به دو بخش متن و وسیله تصدیق<sup>۳۰</sup> و قائم‌مقامی ترکیبات اسناد را به دو بخش اصلی و اضافات<sup>۳۱</sup> تفکیک کرده است. اما با بررسی سوابق موجود در آستانه مشخص شد که ترتیب نگارش و صدور فرمان در آستانه را می‌توان

۲۶. نک: بهزاد نعمتی، «نمونه مهرهای متولیان دوره قاجار»، دفتر اسناد. ج ۲ و ۳، به کوشش زهرا طلائی (مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵)، ص ۳۳۱-۳۳۰.

۲۷. هریرت بوسه، پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی.

۲۸. جهانگیر قائم‌مقامی، مقدمه‌ئی بر شناخت اسناد تاریخی (تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰)، ص ۳۲۸-۱۴۷.  
29 Bert G. Fragner: <http://www.iranicaonline.org/articles/farman> [accessed 14/11/2015]

۳۰. هریرت بوسه، پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی، ص ۴۹ و ص ۴۹-۱۵۵.

۳۱. همان، ص ۴۹.

روشن‌تر از آن‌چه که تاکنون گفته شد تبیین نمود. در میان صورت و سررشته‌های آستانه مربوط به دوره ناصرالدین شاه، صورت و مفاد فرمانی با عنوان «سررشته فرمان انتصاب میرزا سید حسن خادم کشیک اول، به عنوان طغراکش آستانه در بیست و پنجم ذیحجه ۱۲۸۸»<sup>۳۳</sup> وجود دارد که مراحل نگارش تا خروج فرمان بطور مجمل چنین تعریف شده است:

«۱۷/... بناء عليه بمدلول این منشور قضا دستور از حال تحریر و مابعدھا خدمت طغرانیسی فرامین ۱۸/ و احکام قضا نظام آستان قدس را بعالیجناب مشارالیه محول و موکول فرمودیم که هر زمانیکه به افتخار بندگان

۱۹/ ارادت آئین بقلم منشیان سرکاری شرف ترقیم و صدور می‌یابد. بمهر مهر آثار مبارک میرسد ۲۰/ طغرانیسی او را مخصوص مشارالیه نمودیم. ...»

به عبارتی بر اساس این نوشته، طغرانیسی آخرین مرحله از مراحل چهارگانه نگارش و صدور فرامین و احکام معرفی شده است:

۱. تدوین متن توسط منشی
۲. ثبت و دفتری کردن (صدور)
۳. مهر آستانه خوردن
۴. طغرانیسی شدن

این منشور، نود کلمه است که در هشت سطر، به قلم نستعلیق خوب تحریر شده است که با توجه به تیزی شکل حروف به احتمال زیاد کاتب از قلم آهنی استفاده کرده است. فاصله سطرها به مرور کم و کمتر گردیده است. سطر اول با طغرای مطلا شروع شده است. (تصویر ۱: رویه سند) کاغذ این منشور دو رویه آهاردارِ نخودیِ چرک به طول ۵۹ و عرض ۴۶ سانتی‌متر است. هرچند که با توجه به تعدادی منشور صادره از این آستانه که تصاویر آن‌ها را شهرستانی<sup>۳۳</sup> به صورت رنگی منتشر کرده است، قطع تعدادی از آن‌ها بزرگتر است. به عنوان نمونه، قطع منشور مورخ رجب ۱۳۰۹، ۷۰/۵ در ۴۸ سانتی‌متر<sup>۳۴</sup> و قطع منشور مورخ شعبان ۱۳۱۰، ۶۸ در ۴۷ سانتی‌متر<sup>۳۵</sup>، قطع منشور مورخ شعبان ۱۳۱۴، ۷۱ در ۵۱ سانتی‌متر<sup>۳۶</sup> است. در منشور مورد بحث، فضای خالی سمت راست (جانب وحشی) ۱۸ سانتی‌متر و فاصله آخرین کلمه هر سطر با لبه سمت چپ ۷/۵

۳۲. آستان قدس رضوی، مدیریت امور اسناد و مطبوعات بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، سند شماره ۴۰۶۷۲/۱.

۳۳. نک: سید حسن شهرستانی، *جلوه‌های هنر اسلامی در اسناد ملی* (تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۱)

۳۴. شهرستانی، *جلوه‌های هنر اسلامی در اسناد ملی*، ص ۱۵۲.

۳۵. همان، ص ۱۶۰.

۳۶. همان، ص ۱۸۱.

سانتی‌متر است. یعنی از ۴۶ سانتی‌متر عرض این کاغذ، فقط از ۲۰/۵ سانتی‌متر استفاده شده و ۲۵/۵ سانتی‌متر رها شده است. فضای خالی بالای سند، از خط کرسی سطر اول تا لبه کاغذ، ۱۸/۵ سانتی‌متر و فاصله خط کرسی آخرین سطر با لبه کاغذ، یک الی یک و نیم سانتی‌متر است. در فضای خالی فراز متن، روی خط فرضی عمودی بر وسط سطرها، نقش «مهر رضویه» یا اصطلاحاً، «مهر مبارک مهر آثار» با مرکب مشکی جلوه‌گری می‌کند. نقش مهر این سند چهارگوش (خشتی) کلاهک‌دار با سجع «لِلَّهِ الْعِزَّةُ؛ انا ولی الله ابوالحسن علی ابن موسی الرضا ۱۲۷۲؛ یا قاهر العدو و یا والی الولی یا مظهر العجائب یا مرتضی علی» است، نه آن دیگری که گلابی شکل<sup>۳۷</sup> است. بهر حال، لبه پایینی این نقش مهر با لبه بالایی کاغذ ۱۳/۵ سانتی‌متر و نوک تاج آن با لبه کاغذ هشت سانتی‌متر فاصله دارد.

مهر دیگری هم نزدیک به شروع سطر اول خودنمایی می‌کند. این مهر فشاری و بی‌رنگ است. عبارت آن نثری نه کلمه‌ای بدین قرار است: «هو العلی؛ ورقة آستانه مبارکه رضویه سلام الله علیه». چنین نقش مهری بر روی اسناد یک دو دهه قبل تر هم هست؛ به عنوان نمونه، منشور مورخ شعبان ۱۳۱۰<sup>۳۸</sup>، مورخ شعبان ۱۳۱۴<sup>۳۹</sup>، مورخ شعبان ۱۳۱۷<sup>۴۰</sup>، از آنجا که این کاغذ بُتی (واتر مارک) و مهر فشاری به زبان و خط فرنگی ندارد، احتمالاً، دست‌ساز داخلی است. اداره مرمت و کارشناسان بخش فهرست‌نویسی متفق‌القول اند که در آستانه «کاغذگرخانه» وجود نداشته و برای کسی از این حیث حکم و قبضی صادر نشده است.<sup>۴۱</sup> لذا، آن را نماد یا «سربرگ» می‌دانم و معرفی می‌نمایم بر خلاف قائم‌مقامی که آنها را «مهر سرکاغذ»<sup>۴۲</sup> به معنی «نقش چاپ طغرا»<sup>۴۳</sup> دانسته است. قائم‌مقامی اول بار، از مهرهای جدیدی در دوره قاجار سخن به میان آورده که در زمان ناصرالدین شاه در وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی به شکل شیر و خورشید و یا اشکال دیگر متداول شد. او آنها را «مهر

۳۷. برای دیدن این نمونه مهر نک: همان، ص ۲۵۱.

۳۸. شهرستانی، جلوه‌های هنر اسلامی در اسناد ملی، ص ۱۶۰.

۳۹. همان، ص ۱۸۱، ۱۸۳.

۴۰. همان، ص ۱۹۹.

۴۱. بنا به گفتگوی تلفنی با آقای علی‌اصغر ثابت جازاری رئیس اداره حفاظت و مرمت آثار سازمان کتابخانه‌ها موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی و سرکار خانم الهه محبوب کارشناس پژوهش مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

۴۲. قائم‌مقامی، مقدمه‌ئی بر شناخت اسناد تاریخی، ص ۳۹۸-۴۰۰. کریم‌زاده هم با نظر قائم‌مقامی موافق است. نک: کریم‌زاده

تبریزی، محمدعلی، مهرها، طغراها و فرمانهای پادشاهان ایران (لندن: مؤلف، ۱۳۸۵)، ص ۲۹۶-۲۹۰.

۴۳. قائم‌مقامی، مقدمه‌ئی بر شناخت اسناد تاریخی، ص ۲۱۷-۲۱۸.

سرکاغذ»<sup>۴۴</sup> نامیده است. بهرحال، من از همان اصطلاح «مهر سرکاغذ» اما در مفهوم جدیدی که به آن داده‌ام یعنی «سربرگ» استفاده می‌کنم چرا که فرمان یک طغرا دارد. بهرحال، نمونه‌هایی دیگر از این دست سربرگ‌ها را می‌توان در فرمان دیوانخانه عدلیه اعظم مورخ<sup>۴۵</sup> ۱۲۷۹، ملفوفه فرمان مورخ محرم<sup>۴۶</sup> ۱۲۸۰، فرمان مورخ رجب<sup>۴۷</sup> ۱۲۸۵ و منشور شوال<sup>۴۸</sup> ۱۲۹۲ دید.

اجزای اصلی «دفترخانه مبارکه» در ذی‌قعدة ۱۲۷۰، بعد از متولی‌باشی (وزیرنظام)، شش نفر بوده‌اند با شرح وظیفه کاری کاملاً تعریف شده؛ شامل میرزا محمدصادق ناظر، میرزا محمدتقی، میرزا محمدرحیم مستوفی، میرزا زین‌العابدین وزیر، میرزا مهدی ضابط و میرزا احمد.<sup>۴۹</sup>

حال آن‌که، این منشور را سی و سه نفر تصدیق و ثبت کرده‌اند، که خود حاکی از عریض و طویل شدن روز افزون امور دفتری در آستانه است. (نک: جدول شبکه دفترنویس‌ها) با توجه به شباهت خطوط، به احتمال زیاد، اکثر این یادداشت‌های دفتری را یک نفر نوشته است. مضافاً، این که با وجود تنوع مناصب و یادداشت‌ها، بین آن‌ها تناسب فیزیکی و صوری فوق‌العاده‌ای برقرار است. برای تبیین بهتر موضوع روش زیر را دنبال کردم. کاغذ را از وسط دو بار تا زدم؛ بدین صورت که لبه بالایی و پایینی کاغذ را روی هم گذاشتم. ماحصل کار همان خطی موازی سطر دوم شد که از قبل روی سند خودنمایی می‌کرد. مجدداً، این کار را تکرار کردم، یعنی هر نصف را نصف کردم، صفحه چهار بخش شد. قسمت چهارم را به سمت رویه سند تا زدم به طوری که روی سطرهای نوشته شده در قسمت سوم را پوشاند. آشکار شد که بیست و پنج یادداشت (نک: جدول شبکه دفترنویس‌ها، نیمه دوم) از سی و سه یادداشت در همین چهارمین قسمت متمرکز شده‌اند، بدین ترتیب که بیست یادداشت از بیست و پنج یادداشت به موازات هم روی دو سطر شانه به شانه هم نوشته شده‌اند. تصدیق «ملاحظه شد» مرتضی‌قلی خان طباطبایی، متولی‌باشی وقت آستان است که با سایرین تفاوت‌های دیگری هم دارد: رنگ مهر آن، آبی روشن است؛ مفصل‌تر از بقیه است و در آن، هیچ یک از کلمات «ثبت»، «دفتر» و «سررشته» استفاده نشده است. این طغرا در وسط سطر اول قرار دارد

۴۴. قائم‌مقامی، مقدمه‌ئی بر شناخت اسناد تاریخی، ص ۴۰۰-۳۹۸.

۴۵. شهرستانی، جلوه‌های هنر اسلامی در اسناد ملی، ص ۹۲.

۴۶. همان، ص ۹۵.

۴۷. همان، ص ۹۸.

۴۸. همان، ص ۷۴. در کتاب مزبور که اسناد به ترتیب تاریخ تحریر مرتب شده است تاریخ تحریر این سند، ۱۲۵۲ هـ ق اعلام

شده است..

۴۹. نک: علی ثابت‌نیا و علی سوزنچی کاشانی، «معرفی مجموعه اسناد روشنائی حرم و اماکن وابسته در دوره قاجار»، دفتر اسناد،

ج ۱، به کوشش اداره اسناد (مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱)، ص ۱۳۶.

بدین معنی که شش تصدیق در سمت راست و شش تصدیق در سمت چپ آن نوشته شده است. شش یادداشت سمت راست، از نزدیکتر فرد به متولی‌باشی تا دورترین فرد از او متعلق‌اند به: نایب‌التولیه؛ ۲. مؤیدالتولیه؛ ۳. وزیر کل؛ ۴. قائم‌مقام وزیر کل؛ ۵. افتخارالتولیه؛ ۶. معتمدالتولیه مستوفی

اما، شش یادداشت سمت چپ، از نزدیک‌ترین فرد به متولی‌باشی تا دورترین فرد از او متعلق‌اند به: ناظر؛ ۲. معین‌التولیه؛ ۳. وزیر اعظم صاحب‌اختیار؛ ۴. صدر؛ ۵. اعتمادالتولیه؛ ۶. مشرف‌باشی مؤتمن‌التولیه

چنان‌که ملاحظه می‌شود در چینش القاب و صاحب‌منصبان در طرفین متولی‌باشی حالتی موزون و قرینه‌وار برقرار است. در این یادداشت‌ها فقط دو یادداشت، نقش مهر ندارد، در گروه سمت راست مؤیدالتولیه و در گروه سمت چپ، صاحب‌اختیار. به احتمال زیاد این دو نفر هم به عنوان دو صاحب‌منصب مهر داشته‌اند، اما، در زمان صدور سند در آستانه حضور نداشته‌اند.

در یک جمع‌بندی کلی، فقط هجده نفر از سی و سه نفر از مهر استفاده کرده‌اند که ده نفر از آن‌ها مربوط به همان جمع دوازده نفره صاحب‌منصبان بعلاوه متولی‌باشی و هفت نفر دیگر از آن‌ها عبارتند از: سررشته‌دار کل، نایب‌النظاره، مشیردفت‌ر، معتمدالتولیه، ناظم کل موقوفات (ناظم موقوفات)، منتخب دفتر آستانه و ناظم دفتر. البته، در این بین فقط «قائم‌مقام لتولیه» دو بار مهر زده است؛ یکبار، چنان‌که گفته شد، ظهر توشیح متولی‌باشی و یکبار هم فراز یادداشت خودش را. البته، به عبارتی با توجه به احکام منتشر شده بسیاری از افرادی که در این مقطع، صدر نوشته خود را مهر زده‌اند احکام را دیگر مهر نکرده‌اند؛ از جمله، قائم‌مقام، اعتمادالتولیه، صدر آستانه، نایب‌النظاره در حکم انتصاب حاجی میرزا حسن مجتهد<sup>۵۰</sup> و نایب‌النظاره، معتمدالتولیه، صدر آستانه، ناظر کل در حکم علی آقا نایب رئیس دفتر<sup>۵۱</sup>. از این رو، تعداد مهرهای صاحب‌منصبان آستانه در منشور صفر ۱۳۳۲ واقعاً، زیاد و مثال‌زدنی است.

اما موضوع را می‌توان از منظر دیگر هم مورد توجه قرار داد. شش یادداشت در یک نیمه، معادل یک چهارم از کل (نک: جدول شبکه دفترنویس‌ها، نیمه اول) در یک نیمه و بیست و شش یادداشت، معادل سه چهارم از کل (نک: جدول شبکه دفترنویس‌ها، نیمه دوم)، در نیمه دیگر جا دارند. بعلاوه، بین آن‌ها یک تناسب فیزیکی به صورت دو خط عمود بر هم و یک تناسب کاری مشهود است:

۵۰. حسن‌آبادی، سادات رضوی در مشهد از آغاز تا پایان قاجاریه، ص ۱۷۳.

۵۱. همان، ص ۲۰۳.

یادداشت‌های روی سطر اول، زیر مهر، روی سطر ۱	یادداشت‌های مقابل، بصورت افقی
ثبت دفتر ضابط کل اسناد سرکار فیض‌آثار شد	ثبت سررشته ناظم‌دفتر سرکار فیض‌آثار شد.
ثبت دفتر نائب ضابط وزیر بقایا شد.	ثبت سررشته انتظام دفتر شد.
ثبت سررشته‌دار کل بروات مشیرالتولیه شد.	ثبت سررشته برات‌نویس شد.

شبهه همین تناسب میان برخی از یادداشت‌های نیمه دیگر هم مشهود است، با این تفاوت که شش یادداشت روی دو خط موازی، در سمت چپ و راست، همانند یک خیابان دو طرفه، حالت رفت و برگشت دارند:

یادداشت‌های روی سطر ۳، ۴، ۵	یادداشت‌های مقابل، روی سطر ۳، ۴، ۵
ثبت سررشته وکالت جلیله مقدسه شد.	ثبت سررشته صدیق دفتر آستانه مقدسه شد.
ثبت سررشته نائب‌النظاره شد	ثبت سررشته ... مشیردفتر شد.
ثبت سررشته منتخب دفتر شد.	ثبت دفتر ناظم موقوفات شد.

در میان صاحب‌منصبان عالی‌رتبه هم که یادداشت‌های آن‌ها در نیمه پایینی، حدفصل سطرهای ششم و پنجم، متمرکز است نیز یادداشت‌هایی به موازات هم نوشته شده‌اند:

بالا	پایین
ثبت دفتر وزارت قائم‌مقام‌التولیه جلیله عظمی شد.	ثبت دفتر سررشته شد.
ثبت دفتر وزارت کل سرکار فیض‌آثار شد	ثبت سررشته معتضدالتولیه شد.
ثبت دفتر نایب‌التولیه جلیله مقدسه عظمی شد. ملاحظه شد	ثبت دفتر سررشته‌دار کل شد. ثبت سررشته‌دار شد.
در سرکار حضرت مستطاب اجل مرتضی‌قلی خان طباطبایی تولیت جلیله عظمی ملاحظه شد.	ثبت دفتر مخصوص شد.
ثبت دفتر صدارت آستانه سرکار فیض‌آثار شد.	ثبت دفتر نائب‌الصداره شد.
ثبت دفتر اعتمادالتولیه وزارت سرکار فیض‌آثار شد.	ثبت دفتر نیابت وزارت اقل شد.

در حدفاصل سطر اول و دوم متولی‌باشی (تولیت جلیله/ نایب مخصوص شاه) با قلم ریز متنی سیزده کلمه‌ای با مرکب سیاه با زاویه ۴۵ درجه نسبت به نقش مهر بدین قرار نوشته است:

۱/ بسم الله تعالی

۲/ بمهر مبارک سرکار فیض آثار موشح گردد.

۳/ العبد مرتضی‌قلی الطباطبایی»

و بعد با قلمی دیگر به رنگ آبی روی آن دو خط موازی زده است. نعل به نعل این توشیح را قائم‌مقام او با مهری به سجح «قائم‌مقام التولیه» مهر کرده است.

طغرای این منشور «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است که در ابتدای سطر اول نوشته شده، مطالاست. در ضمن فرمان انتصاب طغراکش آستانه که در بیست و پنجم ذیحجه ۱۲۸۸ صادر شده، وی ملزم شده که «در نهایت حسن تشکیل و امتیاز کلمه طیبه توحید و لفظ مبارکه جلاله را با طلای بی‌غش بنگارد.»<sup>۵۲</sup> البته در این جا لازم است که دو موضوع توضیح داده شود. نخست این که طغراهای آستانه در مقاطع مختلف متفاوت‌اند. به عنوان مثال در رجب ۱۳۰۹<sup>۵۳</sup>، شعبان ۱۳۱۰<sup>۵۴</sup>، شعبان ۱۳۱۴<sup>۵۵</sup> هشتمین آیه سوره منافقون که «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» است و در همین شعبان ۱۳۱۴<sup>۵۶</sup> متن سومین آیه سوره فتح «وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا»، در شوال ۱۳۱۶ هـ<sup>۵۷</sup> «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ، السُّلْطَانُ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا» است، و در سال ۱۳۲۰ هـ<sup>۵۸</sup> پنجاه و نهمین آیه سوره نساء «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» در سال ۱۳۲۱ هـ<sup>۵۹</sup> و ذیحجه ۱۳۲۶<sup>۶۰</sup> نهمین آیه از سوره توبه «وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا» است. به هرحال، طغرای منشور مورد بحث «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است که در دوره مرتضی‌قلی خان وضع شده است. این طغرا هم مطلا بوده است اما ظاهراً، در جمادی‌الاولی ۱۳۳۶ هـ<sup>۶۱</sup> به دلیل نامعلومی برای ترسیم آن از مرکب سیاه استفاده شده است.

۵۲. سند شماره ۴۰۶۷۲/۱ مدیریت امور اسناد و مطبوعات بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

۵۳. شهرستانی، جلوه‌های هنر اسلامی در اسناد ملی، ص ۱۵۲.

۵۴. همان، ص ۱۶۰.

۵۵. همان، ص ۱۸۳.

۵۶. همان، ص ۱۸۱.

۵۷. همان، ص ۱۹۲.

۵۸. همان، ص ۲۰۵، ۲۰۶.

۵۹. همان، ص ۱۹۲.

۶۰. همان، ص ۱۹۲.

۶۱. همان، ص ۲۲۷.

چنانکه در ربیع‌الاول ۱۳۰۰ هـ ق رکن‌الدوله طی حکمی برای سید محمد صدر تصریح کرده که «رئیس دفتر... متصدی ابلاغ و صدور فرامین تولیت و نظارت بر تحریرات دفتری و ثبت و ضبط روزنامجات»<sup>۶۲</sup> است و این رسم نیز همانند رسم طغراکشی در این تاریخ همچنان معتبر بوده که می‌توان برای صدور مناشیر در این آستانه مرحله دیگری نیز قائل شد. به عبارتی در ظهر این منشور، موازی با یادداشت «مشرف‌باشی مؤتمن‌التولیه» چنین نوشته شده است: «ثبت سررشته رئیس کل دفتر آستان قدس شد.» لذا مراحل صدور منشور (فرمان، احکام) در آستانه رضویه را نهایتاً می‌توان به ترتیب چنین برشمرد:

۱. تدوین متن توسط منشی
۲. ثبت و دفتری کردن (صدور) از منشیان رده پایین، مستوفی، ... تا متولی‌باشی
۳. توشیح متولی‌باشی
۴. مهر آستانه خوردن
۵. طغرانویسی توسط طغراکش آستانه
۶. ابلاغ منشور توسط رئیس دفتر

## نتیجه‌گیری

طی این بررسی چارچوب نگارش و صدور منشور مورخ صفر ۱۳۳۲، ارتباط اجزاء و صاحب‌منصبان دفترخانه و اداره محاسبات آستانه رضوی تا حد امکان تبیین شد. به عبارتی آشکار شد که سبک منشورنویسی در آستانه، در دوره احمد شاه، همانند فرمان‌نویسی دوره ناصری بوده است. این منشور نمونه‌ای اعلی از فرمان‌نویسی در این آستانه است. قاعدتاً، ضرورت نداشته است همه مناشیر آستانه چنین تشریفات گسترده‌ای را طی نمایند، از جمله مناشیر خلعت. به عبارتی، منشور مورد بحث از نظر نگارنده سندی مالی، یا به تعبیر امروزی، سند اعتباری قطعی و برگشت‌ناپذیر (لازم‌الاجرا) است. چراکه ترتیبات تعریف شده به نفع ورثه مبلغ چهل تومان و ده خروار آن به صورت شصت تومان روزآمد و گشایش شده است. از این رو، صدور آن حسب ماده یازدهم قانون مزبور برای دفترخانه و اداره محاسبات صورت پذیرفته و مسلماً، مسئولیت‌آور بوده است. اگر کل این ترتیبات را به عنوان یک بانک در نظر گرفته شود معلوم می‌شود که در آستانه تقریباً، موازی کاری و تفویض اختیار در همه

۶۲. محمدباقر رضوی، شجره طیبه، به اهتمام سید محمدتقی مدرس رضوی، بازبینی مهدی سیدی (مشهد: آهنگ قلم، ۱۳۸۴)، ص ۱۹۹-۱۹۳ به نقل از حسن‌آبادی، سادات رضوی در مشهد از آغاز تا پایان قاجاریه، ص ۲۰۱.



مشاغل وجود داشته است، ازینرو، یک موضوع را همزمان اصل و فرع (مقام اصلی و نایب او) ثبت کرده‌اند. بنابراین، ناامنی و تغییر و تحولات جدید تا سال ۱۳۳۲ هـ.ق نتوانسته است دیوانسالاری منسجم مبتنی بر روابط خانوادگی را، خصوصاً بین سادات حسینی، رضوی، طباطبایی و موسوی، در این آستانه را دگرگون کند. لذا ماجرای پیش آمده را بیشتر یک بی‌دقتی ناشی از تشابه اسمی بوده است که در نهایت، مسؤولان ذی‌ربط با تعامل در چارچوب «قانون موضوعه آستانه متبرکه رضویه سال ۱۳۲۹ هـ.ق» آن را مسالمت‌آمیز حل و فصل کرده‌اند. این خود نشانه‌ای است که اگر حکومت مرکزی مستقیماً، کاری را دنبال می‌کرده است در بدترین شرایط هم کسانی بوده‌اند که از عهده کار به نحو احسن برآیند. مواردی از این دست می‌تواند نشانه‌ای دلگرم‌کننده از قانونگرایی و حل و فصل مسالمت‌آمیز یک اختلاف در نظام اداری بدون نیاز به عدلیه و مراجع حقوقی باشد. بعلاوه، مشخص شد که رسم پرداخت وظیفه از محل موقوفات آستانه رضویه که از دوره صفوی باب شد تا واپسین روزهای دوره قاجار با عنوان جدید «وظیفه خور و مواجب‌بگیر» در آستانه رضویه پا برجا بوده است. بعلاوه، با آن که عیال بشیرخان درخواست رسیدگی داده است و شخص دیگری به نام آقا سید رضا به عنوان یکی از ورثه پیگیر موضوع بوده اما منشور جدید به نام بشیرخان که هم‌نام پدر بوده صادر گردیده است. احتمالاً، بلقیس همسر اصلی بشیرخان نبوده بلکه، زوجه موقت او بوده است و بلقیس خانم مادر سید رضا بوده است که هیچ یک از این دو وارث شرعی محسوب نمی‌شده‌اند. بهرحال، این بررسی جزئی‌نگر نشان داد که تأکید روی دیدگاه‌های جزمی‌نگر برای توصیف شرایط مختلف در کشور ما بدلیل کمبود تحقیقات خرد خدشه‌پذیر است.

## کتابنامه

- آستان قدس رضوی، مدیریت امور اسناد و مطبوعات بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی. سند شماره ۴۰۶۷۲/۱
- بامداد، مهدی. شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری. ج ۱. چ ۵. تهران: زوار، ۱۳۷۸.
- بوسه، هریرت. پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی. ترجمه غلامرضا وره‌رام. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.
- تبریزی، محمدحسین بن خلف متخلص به برهان. برهان قاطع. ج ۳. به اهتمام محمدمعین. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲. مدخل «غدغن».
- ثابت‌نیا، علی و علی سوزنچی کاشانی. «معرفی مجموعه اسناد روشنایی حرم و اماکن وابسته در دوره قاجار». دفتر اسناد. ج ۱. به کوشش اداره اسناد. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱. ص ۵۰-۲۹.

حسن آبادی، ابوالفضل. *سادات رضوی در مشهد از آغاز تا پایان قاجاریه*. مشهد: بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷.

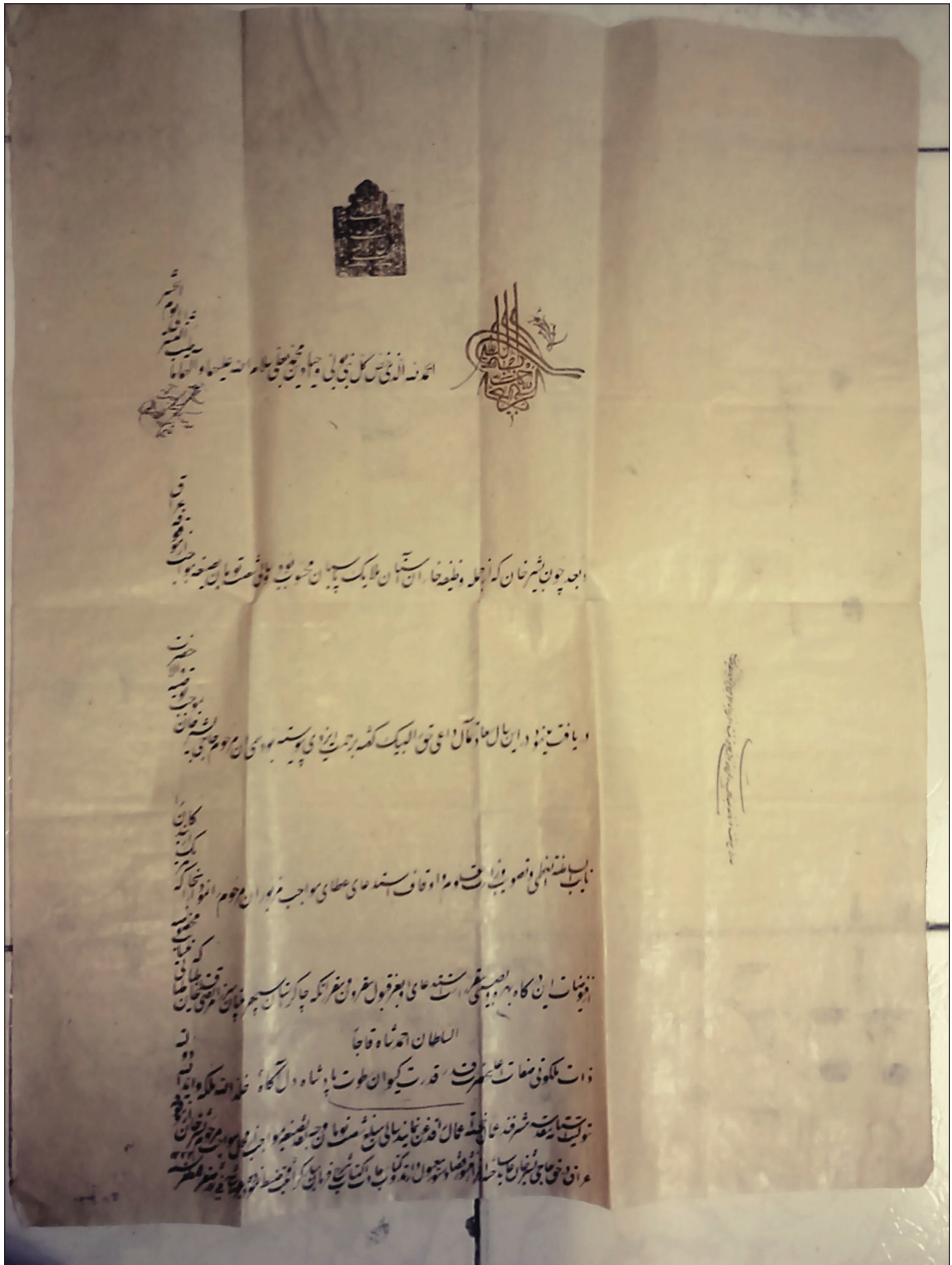
دائرة المعارف آستان قدس رضوی. ج ۱. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۳.  
رضوی، محمدباقر. *شجره طیبه*. به اهتمام سید محمدتقی مدرس رضوی، بازمینی مهدی سیدی. مشهد: آهنگ قلم، ۱۳۸۴.

سازمان اوقاف و امور خیریه. آرشیو. پرونده ۲۵۹ مشهد  
سوزنچی، علی. «معرفی نایب التولیه‌های آستان قدس از دوره صفویه تا قاجاریه». *دفتر اسناد*، ج ۳ و ۲. به کوشش زهرا طلائی. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵. ص ۶۳-۱۱.  
شهرستانی، سید حسن. *جلوه‌های هنر اسلامی در اسناد ملی*. تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران. ۱۳۸۱.  
فاطمی قمی، سید محمد. *فقه فارسی*. به کوشش ناصر دولت آبادی. تهران: مؤسسه انتشارات آوای نور. ۱۳۷۷.  
فائز مقامی، جهانگیر. *مقدمه‌ئی بر شناخت اسناد تاریخی*. تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰.  
کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. *مهرها، طغرها و فرمانهای پادشاهان ایران*. لندن، ۱۳۸۵.  
کریمیان، علی. «تشکیلات آستان قدس رضوی<sup>(ع)</sup> پس از انقلاب مشروطیت ۱۳۲۹ق». *دفتر اسناد*، ج ۱. به کوشش اداره اسناد. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱. ص ۲۹-۵۰.

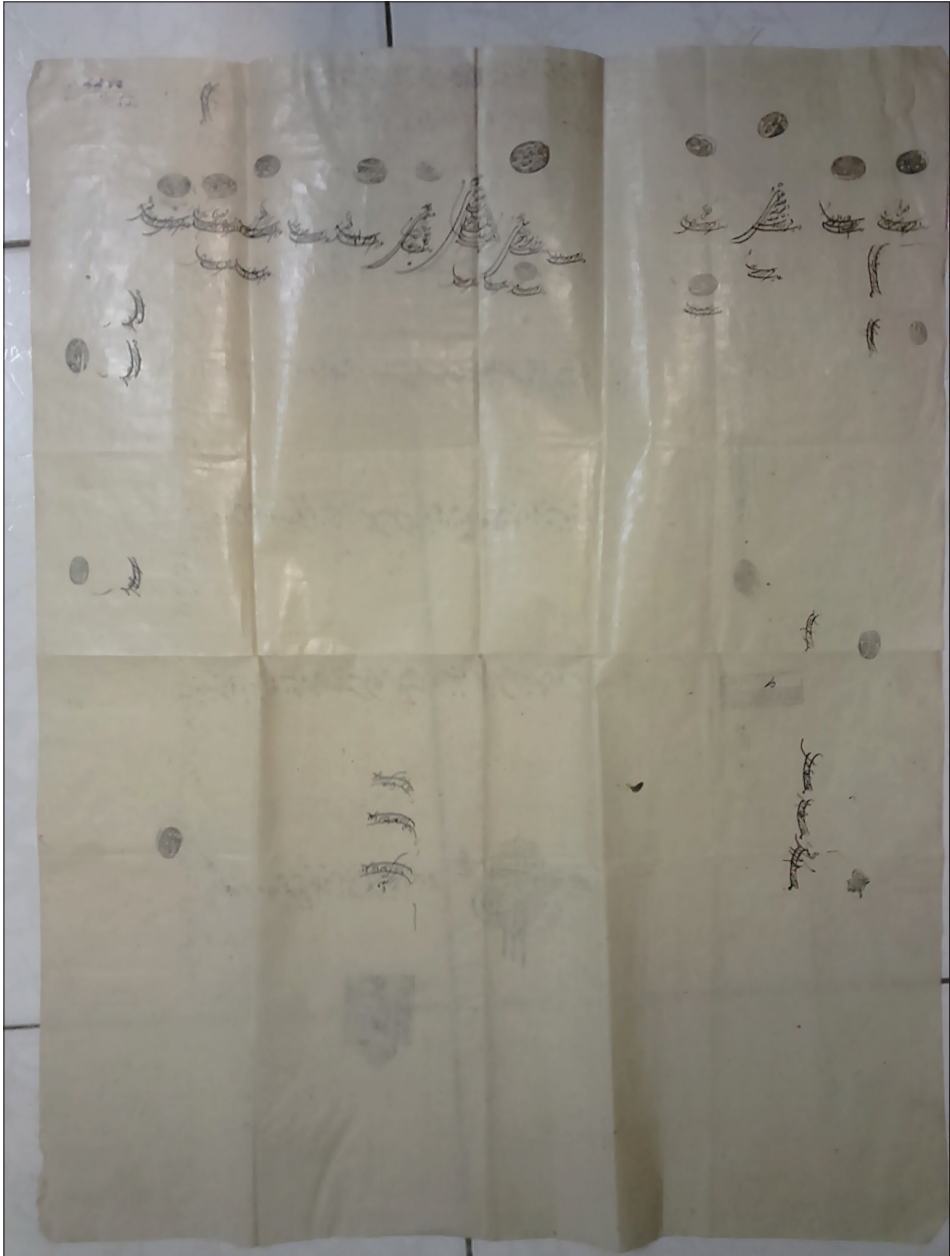
مستوفی، عبدالله. *شرح حال زندگانی من*. ج ۱ و ۲. تهران: نشر کتاب هرمس، ۱۳۸۶.  
مدیرشانچی، محسن و ملیحه خوش‌بین، «نقش روسیه در سرکوب انقلاب مشروطه در مشهد». *جستارهای تاریخی*. سال سوم. شماره دوم. پاییز و زمستان ۱۳۹۱. ص ۱۳۷-۱۱۷.  
معین، محمد. *فرهنگ فارسی*. ج ۱ و ۲. چ ۸. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.  
نعمتی، بهزاد. «نمونه مهرهای متولیان دوره قاجار». *دفتر اسناد*. ج ۳ و ۲. به کوشش زهرا طلائی. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵. ص ۳۳۲-۳۱۵.  
همدانی، اسماعیل. *آثار الرضویه*. مشهد: چاپ سنگی، ۱۳۱۷ هـ.ق.

Bert G. Fragner: <http://www.iranicaonline.org/articles/farman>[accessed 14/11/2015]

<http://www.parsquran.com/>[accessed 14/11/2015]



تصویر ۱: رویه سند



تصویر ۲: ظهر سند



<p>ثبت سررشته برآب‌نویس شد.</p>	<p>ثبت سررشته انتظام دفتر شد.</p>	<p>مهر نقش مثبت: «محمدعلی ناظم‌دفتر» ثبت سررشته ناظم‌دفتر سرکار فیش آثار شد.</p>							
		<p>مهر فشاری ورقه رسوبه</p>							
		<p>الرحمن الرحیم علا: بسم الله روبه: ظهیرای</p>							
<p>ثبت سررشته‌دار کل پروت مسیر: اتراپه شد. (برعکس)</p>	<p>ثبت دفتر ناظم شایط وزیر بقایا شد. (برعکس)</p>	<p>ثبت دفتر شایط کل اسناد سرکار فیش آثار شد. (برعکس)</p>							
		<p>«تاریخ ایران»</p>							
		<p>روبه سند پادشاهت مغول‌نظامی استانه با مرکب مشک صغ با بچ آن همزیگ مهر ظور سند</p>							

فضای خالی

خط عمودی  
وسط صفحه  
ابتدای سند